

حسین دۆزگۆن

زنگان لوحه‌لری

گردآوری: محمد صادق نایی

سرشناسه: محمدزاده صدیق، حسین، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور: زنگان لوحه لری/حسین دوزگون؛ گرد
آورنده[محمدصادق ناییبی].

مشخصات نشر: تهران: تکدرخت، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۱۰۶ص. ۱۹/۵×۹. ۱۹س.م.

شابک: ۱- ۶۵- ۵۵۵۹- ۶۰۰- ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا. موضوع: شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۴
شناسه افزوده: ناییبی، محمدصادق، ۱۳۵۲ -، گردآورنده

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۹۳/۳/۳۱۴PL

رده بندی دیویی: ۸۹۴/۳۶۱۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۴۴۶۰۲



زنگان لوحه لری

سروده‌ی: حسین دۆزگون

گردآوری: محمد صادق ناییبی

آماده‌سازی و تولید: مؤسسه‌ی دانش سهند و سیلان
نشانی: خیابان جمهوری، بعد از تقاطع سی‌تیر، جنب کوچه شیبانی،
پلاک ۵۰۰، ط. همکف.

تلفن: ۶۶۷۲۵۵۵۹ - فاکس: ۶۶۷۲۷۵۵۰

ناشر: تکدرخت - سال نشر: ۱۳۸۹ - محل نشر: تهران

شمارگان: ۲۰۰۰ - نوبت چاپ: اول

ناظر چاپ: ائلدار محمدزاده صدیق،

شابک: ۱- ۶۵- ۵۵۵۹- ۶۰۰- ۹۷۸

فهرست

جدول آسان خوانى متون تركى	۱۵
۱. قوشمالار	۱۹
زنگانيم	۲۰
اولو زنگانيم	۲۱
بىر آز بارى	۲۲
خزىنه	۲۳
يارا قالبدېر	۲۴
دار القرآن	۲۵
جان اول	۲۶
نۇكرليك ايامى	۲۷
يارېمچېلىق نۇكر	۲۸
اۆزگە دۈنون گئيمه	۲۹
دۆز آنايوردو	۳۰
هاراى	۳۱
داشا دۆنر	۳۲
اليندن آلدى	۳۳
هاراسې وارمېش	۳۴
۲. گرايلېلار	۳۷

۳۸	 سنە گلدیم
۳۹	 آخار اۆلسون
۴۰	 سویون لیلدی
۴۱	 بیللور لاله
۴۲	 نشیده
۴۵	 ۳. بایاتی
۴۶	 اومما
۴۷	 ۴. قوشا بیتلر
۴۸	 کیمی وار
۴۸	 موسیقیم
۴۹	 ۵. سربست شعرلر
۵۰	 سنینکیدیر
۵۳	 سن زنگان سان
۵۳	 قویما گتتسین زنگانی
۵۵	 دئییرم
۶۱	 شعرین قارتالی
۶۳	 باتی ایتی
۶۷	 ۶. غزللر
۶۸	 جانان اولار
۶۸	 دئدیله
۶۹	 مباهاث وقتیدیر
۷۰	 سرافکنده اولماز
۷۱	 هموار اول
۷۲	 کۆسمه تاتدان

زنگان لوحه‌لری ۵

- ۷۳ قئیداری گۆزلر گۆزلیم
- ۷۳ شکایت
- ۷۴ سیادت سنین اولسون
- ۷۵ گلمه‌دین
- ۷۶ پارچالانماز یوردوموز
- ۷۶ حسرت قویدون
- ۷۹ ۷. قطعه
- ۸۰ سندن ساریدیر
- ۸۱ ۸. منظومه
- ۸۲ شاه‌خدا‌بنده

مقدمه

مقام علمی و ادبی پروفیسور دکتر حسین محمدزاده صدیق پس از نزدیک به نیم قرن تلاش علمی و ادبی و بازخوانی نسخ خطی کهن ترکی و انتشار نزدیک به یکصد و پنجاه جلد کتاب، آنچنان بلند و استوار است که سایه بر سایر ابعاد وی انداخته است. یکی از این مقامات بلند، مقام شاعری استاد با تخلص «دۆزگۆن» می‌باشد که قطعاً اگر بعد علمی استاد بدین اندازه نبود، بسیار چشمگیر می‌نمود.

در این مجال اندک اشعار دکتر صدیق خصوصاً «زنگان لوحه‌لری» را از چند زوایه بررسی می‌کنیم:

بداهه سرایی ؛ مهمترین خصوصیت اشعار استاد

استاد صدیق هرگز اصراری بر سرودن شعر نداشته و هرآنچه تاکنون از ایشان تحریر یافته است، همگی بداهه سرایی بوده و در کمترین زمان تنظیم شده است. با دقت در مجموعه‌ی اشعار ایشان مانند: تبریز یوللاریندا، اردییل لوحه‌لری، زنگان لوحه‌لری، حلب لوحه‌لری، قشقای لوحه‌لری و درمی‌یابیم که اشعار استاد دارای چهار ویژگی زیر بوده است:

- ✓ بداهه سرایی بوده است.
- ✓ در موضوع خاص و به فراخور حال و هوایی خاص سروده شده است.
- ✓ هر مجموعه در یک زمان محدود سروده شده و بسته شده است.
- ✓ اشعار بیش از آن که بر پایه‌ی عشق و طرب باشد، براساس عقل و منطق و استوار بر مطالب علمی و تاریخی است.

البته در سرزمین شعر و ادب ایران زیادند شاعران بداهه‌سرایی که هرگز شعر را بنایی نمی‌کردند، اما کمند شاعرانی که بداهه‌سرایی آنها دارای مغز علمی باشد. با مراجعه به اشعار استاد صدیق بی‌تردید همگان به این مشکل برخورد خواهند خورد که برای درک واقعی مصرع و بیت و حتی واژه باید به دایرة المعارف‌ها، مراجع و منابع تاریخی و ادبی مراجعه کنند. برای همین، مجموعه اشعار استاد نیز در کنار آثار علمی ایشان جزو گنجینه‌های تاریخ و ادبیات آذربایجان باید حفظ شود و مغز ابیات باید شکافته شده و منظور شاعر استخراج گردد.

نمونه‌ای از این مجموعه‌ی اشعار، *زنگان لوحه‌لری* است که استاد آن را در محال زنگان بداهه‌سرایی کرده‌اند. شاید سرودن فی البداهه‌ی حدود ۵۰۰ بیت سخت نباشد

اما سرودن ۵۰۰ بیتي که در مغز هر بیت و هر مصرع و
هر کلمه توضیح «هفتاد من مثنوی» لازم دارد،
استثنایی است. مثلاً در خطابه به شهر خدابنده وقتی
می‌گویند:

قوردو اردولاردا «کرباسیه» لر

کۆچ ائیدردی مدرسه،

ایلر بویونجا ائل ایله

چېخدی کرباسیه لر دن چوخلو عالم لر اوگون

حلی نین شاگردی عز الدین آبی

اؤنون «کشف الرموز» و یاکه شمس الدین، شهید اول

شیعه

اؤنون «ارشاد الازهان» ی

یاکه جرجانی

اؤنون «تجريد» ی، باللهی دانبلمازدېر.

نه یازسام من سنه آزدېر

خدابنده، خدابنده ...

نه تنها شاعر با اطلاعات غنی تاریخی و علمی اشعار پر
مغز می‌سرایند، خواننده نیز با داشتن اطلاعات تاریخی و
علمی باید این اشعار را بخواند تا حظ وافر ببرد و گرنه در
همین شعر کوتاه لااقل باید در ده موقف به اسناد و
مراجع مراجعه نماید.

یا وقتی می‌گویند: "سلطانیه، یئرین بئشینجی جنتی" اشاره به "جنت خامس ارض" است که در کتاب وصّاف‌الحضره در سال ۷۱۰ هجری در مورد سلطانیه آمده است. خواننده با داشتن اطلاعات تاریخی است که باید از بیت "شامدان گلیردی خراجین ، میصیردن چین دن ده باجین" سر درآورد.

اشعار دکتر صدیق، مخزن لغات ناب ترکی

از اشعار ایشان کسی حظ وافر می‌برد که زبان ترکی را به صورت علمی و کلاسیک مسلط باشد و گرنه با درگیر شدن به لغات ناب و غیر مصطلح ترکی به کنه شعر پی نخواهد برد. اشعار ایشان مخزن لغات ناب ترکی است. لغاتی مانند: یایغین، اوْیود، یاغی ، بئزمک ، ایلقار، سیتغاماق و صدها واژه‌ی اصیل دیگر را باید در قالب همین اشعار به زبان ترکی آذربایجانی و محاوره عموم بازگردانیم.

تاریخ در اشعار دکتر صدیق

خواننده با خواندن اشعار دکتر صدیق ضمن این که اطلاعات تاریخی خود را بالا می‌برد، ممکن است از بسیاری از مطالب تاریخی سر درنیاورد و ناگزیر به منابع دیگری مراجعه نماید. مثلاً وقتی می‌گویند:

”هم نظام الدين مراغی
هم محمد آملی
خواجہ ی اعظم رشید الدینی گتندی
حلّی «منہاج الکرامہ» یازدی
«نہج الحق» ی دیوان ائیلہدی.
شیعہ حلّی چین بیرینجی دفعہ،
بوردا آیت الله دئدی
اوغلو «ایضاح الفوائد» یازدی
بوردا عزالدین زنجانی گلیب «تصریف» یازدی

خواننده از هیچ مصرع و نامی به راحتی نمی‌گذرد مگر
آنکه تأملی کند که در سلطانیہ عبدالملک نظام الدین
مراغی که قاضی القضاات ایران بود و محمد بن محمود
آملی صاحب نفائس الفنون اساتید دانشگاه سلطانیہ
بودند و علامہ حلّی در این شهر دو کتاب مهم نوشت و
عنوان ”آیت الله“ برای نخستین بار در این شهر به
علامہ حلّی اطلاق شد. فرزند علامہ حلّی یعنی فخر
المحققین در این دانشگاه، کتاب /ایضاح الفوائد را نگاشت
و عزالدین ابوالمعالی عبدالوہاب زنجانی کتاب معروف
تصریف را نوشت که قرن‌هاست در حوزه‌های علمیه
تدریس می‌شود.

امثال و حکم در اشعار دکتر صدیق

استاد صدیق ضمن آموزش تاریخ و ادبیات به فرهیختگان با ابیات پرمغز خود، با طبقه‌ی عامه‌ی خلق نیز با زبان فولکلوریک صحبت می‌کنند. در لابلای اشعار استاد به کرات به مثل‌ها، مثل‌ها و کنایه‌ها برمی‌خوریم که جزو فولکلور آذربایجان است و انطباق آنها با اشعار بر زیبایی و غنای شعر می‌افزاید. برای نمونه در این دفتر شعر می‌گویند: "زنگانا قیش گونو آیاق باسدیم - یایدا گل قیشدا یوخ ثمر دئدیلر" که "یایدا گل قیشدا یوخ ثمر" برای همه ما آشناست. یا وقتی می‌گویند: "قیزیل اوزن کسمه منیم قاباغیم - سولاریندا قیزیم سارا قالیدیر" همه متوجه می‌شویم که شاعر به چه داستان فولکلوریکی اشاره دارند. نمونه‌هایی دیگر مانند: "اؤزگه بالتاسینا ساپ اولما"، "کؤکونو قازما"، "اؤزگه دونون گئیمه دار اولار سنه"، "آغیر ترین آغیر /وتور" را به وفور در میان اشعار ایشان مشاهده می‌کنیم که فراگیری فهم اشعار استاد را از بی‌سوادترین مردم تا آگاهترین افراد نشان می‌دهد.

عروض و هجا در اشعار دکتر صدیق

زنگان لوحه‌لری مانند دیگر اشعار استاد غالباً بر پایه‌ی هجا سروده شده است که با زبان ترکی انطباق دارد. اما ایشان گاهی از عروض نیز کمک گرفته‌اند. هرچند انتخاب آن بحر عروضی چنان استادانه است که بسیار نزدیک به هجاهای ترکی است و کمتر اماله‌ای در بیان لغات ترکی دیده می‌شود.

مثلاً در خطابه به قئیدار می‌سراید:

یوللارین آردیندا قالمیش یاری گؤزلر گؤزلریم
کؤنلومه تسکین وئرن دلدار ی گؤزلر گؤزلریم.

که با بحر عروضی فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن تنظیم شده است ولی در آن اصلاً لغات ترکی به اماله نیافتاده و در تمام طول شعر، لغات به صورت سالم ادا شده است، چرا که استاد در انتخاب عروض، بحری نزدیک به هجای ترکی ۴، ۴، ۴، ۳ برگزیده است.

خطابه‌ی سلطانیه به استاد

حقیر در سال ۱۳۸۰ با خواندن این لوحه و کشف مطالب غنی تاریخی و ادبی آن از فحوا و محتوای اشعار بی‌اندازه متأثر شدم و در مقابل این شعر از استاد خطاب به سلطانیه، از زبان سلطانیه قطعه‌ای خطاب به استاد

سرودم که ذیلاً تقدیم می‌کنم. در این قطعه گویا
سلطانیه از یک روز سفر استاد به سلطانیه بی‌خبر
می‌ماند و در رفتنشان مویه می‌کند. این شعر در واقع در
مقابل شعر "سنة گل‌دیم" است که استاد خطاب به
سلطانیه نوشته‌اند:

بیر ایلدن چوخ من آخداردیم ، او آدلیم یاخشی **سرداری**،
منه گۆنده‌ردی غربت‌دن گۆزهل دیوان اشعارى.
اؤزۆ دۆزگۆن، سۆزۆ کۆسگۆن، گرە کمزکی قالا سۆرگۆن ،
سلام اؤلسون اؤ **اسلانه** ، منی تکجه وئیریر یاری.
قاییت گل یات قوجاغیمدا ، گۆروم من اؤ گۆزهل یاری،
منی تکجه قۇیوب گئدمه ، دۇنوب باخ بیر دفة بارى.
آییم، نوروم، گۆزوم، روحوم، منیم نیسگیل دییهن اوغلوم،
دی خالقا کی نمئیدیم من؟ یئنه آچ جمله اسرارى.
دوشنده کۆنلومه بابک ، باخاردیم اؤ گۆزهل یاره،
بودور آرزیم بو دونیاده ، گۆره‌م بیرده اؤ **سالاری**.
یاتیب ایللر بویو ائللر ، قاباغیندا دوروب مینلر،
اومیدیم وار سنه یالنیز ، چالان آهنگ بییداری.
یوخون یوخدور، سۆزون چوخدور، گۆرنمزگۆزلره اوخدور،
بو **دوزگون** سورگون ائدمکله ، سورنمزله اؤ افکارى.
اۆزون هئیت ، سۆزون غیرت ، یازیب آرنینداکی **غربت**،

«سنین تک شاعرین البت اولار آشفته بازاری»^۱
باجی قارداشلاریمدان من اوزاق قالدییم ، ایراق دوشدوم،
اولارمی آشدیران آخر ، عناد و کینلی دیواری؟

محمدصادق نائی

تهران - ۱۳۸۹

^۱ مصرع داخل گیومه از معجز شبستری است البته به صورت
«منیم تک شاعرین البت اولار آشفته بازاری»

جدول آسان‌خوانی متون ترکی

در این کتاب املاى کلمات دخیل عربى در ترکی را حتى‌الامکان تغییر نداده‌ایم. طبیعى است که خوانندگان آن‌ها را با تلفظ ترکی خواهند خواند. مانند: فکر که باید fikir و محاربه که باید müharibə خوانده شود. برای آسان‌خوانی کلمات ترکی نیز برخی تغییرات در نگارش آن‌ها اعمال کردیم که در جدول‌های زیر نشان می‌دهیم:

۱. جدول واک‌نگاری

معادل حروف لاتین	مثال	نشانه‌های واکه‌های ترکی
almaq	A , a	ا ، آ
əl	Ə , ə	ا ، آ ، ه ، ه
ilan	İ , i	ای ، یی
qızıl	I , ı	ای ، یی ، ی
sol	O , o	او ، و ، و
söz	Ö , ö	او ، و ، و
ulduz	U , u	او ، و ، و
düzmək	Ü , ü	او ، و ، و
yel	E , e	ان ، ن ، ه

۲. جدول آواک‌نگاری

معادل حروف لاتین		مثال	نشانه‌های آواک‌های ترکی
buz	B, b	بوز (یخ)	ب / بـ / بب / ببـ
öpmək	P, p	اۆپمک (بوسیدن)	پ / پـ / پپ / پپـ
toy	T, t	تۆی (چشن)	ت / تـ / تت / تتـ
Sürəyya	S, s	ثریا	ث / ثـ / تث / تثـ
can	C, c	جان	ج / جـ / جج / ججـ
çaxmaq	Ç, ç	چاخماق (آتش زنه)	چ / چـ / چچ / چچـ
Həvva	H, h	حوا	ح / حـ / حح / ححـ
xaliq	X, x	خلق	خ / خـ / خخ / خخـ
daş	D, d	داش (سنگ)	د / دـ
zövq	Z, z	ذوق	ذ / ذـ
bir	R, r	بیر (یک)	ر / رـ
ziğ	Z, z	زیغ (گل)	ز / زـ
jalə	J, j	ژاله	ژ / ژـ
sərin	S, s	سرین (خنک)	س / سـ / سس / سسـ
şəhid	Ş, ş	شهید	ش / شـ / شش / ششـ
sidq	S, s	صدق	ص / صـ / صص / صصـ
zəlalət	Z, z	ضالالت	ض / ضـ / ضض / ضضـ
Tur-e Sina	T, t	طور سینا	ط / طـ
zill	Z, z	ظل	ظ / ظـ
Cə`fər	`	جعفر	ع / عـ / عع / ععـ
bağ	Ğ, ğ	باغ	غ / غـ / غغ / غغـ
fəna	F, f	فنا	ف / فـ / فف / ففـ
qaş	Q, q	قاش (ابرو)	ق / قـ / قق / ققـ
kəsmək	K, k	کسمک (بریدن)	ک / کـ / کک / ککـ
gəzmək	G, g	گزمک (گشتن)	گ / گـ / گگ / گگـ
diləyim	Y, y	دپله گیم (آرزویم)	گ / گـ / گگ / گگـ
lalə	L, l	لاله	ل / لـ / لـل / لـلـ

زنگان لوحه‌لری ۱۷

miskin	M, m	مسکین	م / مـ / مم
incə	N, n	اینجه (ظریف)	ن / نـ / نن
vaxt	V, v	واخت (وقت)	و / وـ
hilal	H, h	هلال	ه / هـ / هه
yaban	Y, y	یابان (دشت)	ی / یـ / یی



۱. قوشمالار



زنگانيم

ائللەر چېخارتدېم من ايلان دىلى،^۲
يالواردېم، ياخاردېم، اينان زنگانېم!
سېتغادېم، آغلادېم، ھىچ سايمادېلار
اۋتدۇ ايللر، كىچدى زمان زنگانېم.

ياد منى تكلەدى، غصب ائتدى يوردو،
غرىتلرە سالېب جانېم قاووردو.
وئرىملى^۳ ايللرى يئلە ساووردو،
گۆنۈمۈ ائىلەدى يامان زنگانېم.

يئل قووان^۴ ياندېردېم، يئل آلدى قاجدى،
منە يۇل وئرمەدى يادا يۇل آچدى.
يادېن قاراقولۇق ائوينە ساجدى،
بىر يئل قالدى بىردە سامان، زنگانېم.

^۲ ايلان دىلى چېخارتماق: يالوارماق، اصرار ائتمك.

^۳ وئرىملى: محصولدار

^۴ يئل قووان: تىكان.

كۈشىگىندە دوردوم ار كىمى، اوياق،
بۆتۈن وارلېغىما سن اۆلدون داياق،
پناھىم، يورد - يووام، انام، امانىم.
اولو زنگانىم.

يوردومدا قويمادې ياد بيرجه داشې،
يارادېر اليندەن اۆرەگىم باشې.
سوسمارام دشمنە ياغبيا قارشې،
هر زمان سۆيلەيىر قوجام، جوانىم،
دامارېمدا جوشان قاينايان قانىم،
يايلاغېم، قېشلاغېم، يازېم، ارانىم،
اولو زنگانىم.

بیر آز بارى

قارداشېم رادىۋنو ائلين دىنلەيىر،
پوزما ائلين دىلين، قان بير آز بارى.
منى سايا گلەمەسن دە گلەمە ھىچ،
اۆز ننهۋى آدام سان بير آز بارى.

دانېشدىغېن بو دىل ھىچ يئردە يۇخدور،

قايداسىز قانونسوز كلامىن چۈخدور.
سۆزۈن ائىل قىلىنە زەھەرلى اۇخدور،
ائىلىن دە حالېنا يان بىر آز بارى.

دۆزگۈن نەدن بۇيلە سن گئىچ اوياندېن،
نەدن قۇنشو تويوغونو قاز ساندېن؟
اۋزۇنۇن مۇكۇنۇ - وارلېغېن داندېن،
اۋزگەنن دە يۇخون دان بىر آز بارى!

خزىنە

بۇغور سنىن سسىن بۆتۈن سسلرى،
شاھە چكىب آذربايجان دئىندە.
ياراشېقلى، سارى تىللى زنگانلى،
جانلانېران سن منە جان دئىندە.

بۇيۇك باياتلارېن اوجا باش اوغلو،
آلچالما، آلچالماق ياراشماز سنە.
اۋيۇن تارىخىنە، اۋيۇن ائلىنە،
دۇيۇن اۋركلردە، باغلان وطنە.

الھام آل زنگاندان، قېزېل اۆزەندەن،
اوجا توت باشېنې، اگىلمە يادا.
بىلئىدىن كاش قلىبىمدە كى سىرىمى،
وئىرمىدىن اۋندا سن ائلىمى يادا.

بىر خىزىنە سىدىر اجدادېمىزىن،
بىزە مىراث قالان آنا دىلىمىز.
غىرت سىز قاينى سىز ياشاساق اگر،
آلچاقدا ياشايىر اوجا ائلىمىز.

يارا قالېدېر

قارانلىقدا يامان سۇندۇ چراغېم،
يانىلدىم، يېخېلدىم، اوچدو دايغېم.
قېزېل اۆزەن كىسمە منىم قاباغېم،
سولارىندا قېزېم سارا قالېدېر.

قاراقوشلو، طارېملى نازلى گۆزەل،
سنە يازدېم يۆز گرايلى، يۆز غزل.
دردىمى سۇيلىردىم اۋزۇنە ازل،
سۇيىلە بو دردە بىر چارا قالېدېر؟

اسگىلىتمە اۋزىنىۋ باتېرما آدېن،
قۇى بىر داملا دادېم درمانېن دادېن.
قلىمىزدە، گۈزەل! بو نامرد يادېن،
وورمامېش اۋخونو ھارا قالېدېر؟

بۇيۇك خطر اتتىدىم سىنە وورولدوم،
عشقىن درياسېنا دۇشدۇم، دورولدوم.
گۈزەل رحمەت، يۇل گىتىمكىن يۇرولدوم،
گۈزلىرىم آغىندا قارا قالېدېر.

يالقېز قۇيدون مىنى جانسېز جانانسېز،
ياشايا بىلمەرم آذربايجانسېز.
ترک ائىتمە يانېمې گل سىن درمانسېز،
دۇزگۈن سۇن قلىبىندە يارا قالېدېر.

دار القرآن

قرآن تىلىم وئىرەن، قرآن اۋىرەدن،
«خَيْرُكُمْ» آدلانمېش قرآن دىلىلە.
دۇنيانى دۇلدورموش قرآن نىغمەسى،

۲۶ ۵۹۲ حسین دۆزگۆن

تۆركۆن ھەمىيە، تۆركۆن اليلە.

مۆثر ائتگيلن اۆز ارادەوى،
بو دار دۇنيانين دۇرد بوجاغيندا.
سنە قرآن وئرميش عزم و ارادە،
ساخلا يانار اودون اۆز اوجاغيندا.

بوگۆن آلدېم خبر ائلدىن - طابفادان،
زنگاندا آچېلمېش بير دار القرآن.
حكمت مركزينه يئنه دۇنەجك،
قرآنېن عطريە دولاجاق زنگان.

آيرېلما وطنداش سن اۆز اصليندىن،
گۆر نە گۆنە قالدې آيرېلدې دۆزگۆن.
اۇيۇنمە ھر يئتن عجم - اوباشا،
اصلتينيە، اۆز دينينه اۇيۇن.

جان اول

حسین دۆزگۆن دئیر سۆزۆن دوزونو،
کیمسەدن گیزلەمز او حق سۆزۆنۆ.

بیر گۆن گۆرسە دلدارې نېن اۆزۆنۆ،
دئیر گئتمە جەسمیمدە جان اۆل منیم.

نۆکرلیک ایامی

آی آخماق الیندن یاندېم قاورولدوم،
دۆنۆگۆسن^۵ ائلین، نوکری یادېن.
ایچ قادادان دادا گئدیلمز، اما،
منی دادا گتدی سنین بیدادېن!

ایتیل باشې اوجا صاف دۆزلریمدن!
گاوورلار دیلینی قېرېلداتما، گئت!
فارسجا شالپالایان او قېرھاقېرلا،
گۆزۆمۆن اۆنۆندن بیر آن اۆنجه ایت!

مندن ائشیتسنه، عجم اۆنۆندە،
سنه لایق دگیل سۆپۆرگەچیلیک.
قارتال قالمالېسان، اوجالېق گزسن،
سنی دە، منی دە یوکسلدەر بیلیک.

^۵ دۆنۆک: دۆنمۆش، اۆزۆندەن چېخمیش، آسیمیلزە اۆلۆنمۆش و اۆز
دوغما مدنییتینە خورباخان اوزدن ایراق «روشفکر» لرە دئییلیر.

بو دۆزلرە آددېم باسېب اۇلجايتو،
شاھ ختايى قېلىنچ چكىب سۆز قوشوب.
سنە احسن دئىمك بيزە ياراشماز،
نۆكرلىك ايامى چۇخدان ساووشوب.

يارېمچېلىق نۆكر

ياددان اجنېى دن نه يىن اسگىكدىر؟
وارلېغېن وار اينان، گۆجۆن وار اينان.
دالارېنې^۶ سالما، كۆكۆنۆ قازما،
اۆزگە بالتاسېنا ساپ اۇلما دايان.

فارسجا دانېشاندا اۆز اوشاغېنلا،
فارسى دا، تۆركۆدە ايگىرنديريرسن.
اينجى تىك دىلىنى اونوتما، قانماز!
شالپام – شالپام بئله نەدير دئىيرىسن؟

فارسجا اۇيرەنسەيدىن ھىچ لاغ ائتمىزدىم،

^۶ دال: بوداق، شاخە.

دئىيەردىم بىر باشقا دىل اۇيرەنمىسەن .
يارىمچىلىق، لالا پىتىك نوكرى،
كىم قبول ائدەجك؟ سەن سۆيەلەگىلەن!

اۈزگە دۈنۈن گىيىمە

آى قېز! مەلاحتىن اۈزۈندە بالئە،
دادىن، طراوتىن سۆزۈندە بالئە .
سحر ائىدىجى اۈگۈج، گۆزۈندە بالئە،
اۈزگە دۈنۈن گىيىمە، دار گلر سەنە .

اۈ شالپام فارسجاندىن اىگىرەنىرمەن،
بئلە اۈزۈن مەنە سۆدىرنەمىز سەن .
سحر – آخشام سەنە دئىيەر ھەر گلەن،
اۈزگە دۈنۈن گىيىمە، دار گلر سەنە .

ۈطنىن ناموسلو قېزىسان گۆزەل،
سەنە دۆزگۆن يازىپ اۈن دفتەر غزل .
اۈجادان دئىمىشەم بۈنۈ لاپ ازل:
اۈزگە دۈنۈن گىيىمە، دار گلر سەنە .

دۆز آنايوردو

سنه وطن دئديم سنه يورد دئديم،
آلاھېن وئرگىسى باش قورقود^۷ دئديم.
قوردو گديكلردە بۇغوب اود دئديم،
داغلارې داشلارې بوز آنا يوردوم.

بو قارا طالعين نەدن پوزولماز
آلېنا بس نييه آغ گۈن يازېلماز؟
من سيز شائيندە بير اينجى دۆزۈلمز،
كۆكسۈمدە قايناير سۆز آنايوردوم.

دۆزگۈن دئير ايندى زنگانا گلديم،
بايرام گۈنلريدير شاديانا گلديم.
يۈرۈلدوم ھجرانندان جزانا گلديم،
ايللريدير دئيرم دۆز آنايوردوم.

^۷ قورقود: ايران تۈرك تاريخى نين بۇيوك عارف و ائلجە يىلنى «دده قورقود» اشاره دير.

ھاراي

داشبنا داغبنا گيرمەسىن ياغي،
باغبىن - باخچان اولسون بۆلبۇل اۇيلاغي،
اىللر وئرسىن سنە يىنى نۆوراغي،
وطن اوغلون سسلە ھاراي، زنگان!

مارالارېن زۇھرۇن چۇلۇن بۇرۇسۇن،
ھر سحر سېر ائدىم جئيران سۇرۇسۇن.
قۇرخوسوز - غوغاسىز سۇرۇ يۇرۇسۇن.
وطن اوغلون سسلە ھاراي، زنگان!

چاغداشلاشسېن جادەن، كۆچەن، ائولرېن،
قۇينون سېجاق اۇلسون، بولاغبىن سرىن.
اىستەسن بزەنسىن بۇتۇن ھر يىرىن،
وطن اوغلون سسلە ھاراي، زنگان!

يىئە يايىسېن معارفى، عرفانى،
قرانا - اسلاما چكسىن دۇنيانى.
دۇزگۇن دئەر گل سئو آذربايجانى،
وطن اوغلون سسلە ھاراي، زنگان!

داشا دۈنر

منلە ايلقار اتتىدىن منە سۆز وئردىن،
عُمرومۇ پايلاشدىم سىنىلە گۈزەل.
ايندى سىندى سىنە شكائىتىم وار،
سۆزۈمۇ قارشىمدا گل دىنلە گۈزەل.

چالچىق^۸ دان چېخاندا، داغا واراندا،
على بولاغىنا^۹ سارى گئەندە،
اونودما اورددا قىلدېغىن نمازى،
اللاھا باش اگىب دعا ائدەندە.

قول و اقرارىنا عمل ائتمەين،
داشا دۈنر گۈزەل بونا گل اينان.
دومدورو سولارىن آخىدىغى يئردە،
سن گۈرۈپسىن بونو گۈزۈنلە عيان.

^۸ چالچىق، ابهر شەھرى نىن كندلرىندىر.

^۹ على بولاغى، ابهرىن چالچىق كندى يانېندادېر. بولاق اطرافىندا،
روايتلارە گۈرە داشا دۈنر بد ايلقارلار واردېرلار. حضرت على (ع) نىن
آياق ايزى دە، بىر روايتە گۈرە بولاق يانېندادېر.

الیندن آلدی

سنین تاریخینى کیمسه یازمادی،
اۆره گیم اوجوندا نیسگیلین قالدی.
یاد حیلە ائیلەدی، یاد مکر قیلدی،
مقدس روحونو الیمدن آلدی.

بیری تاریخینده یوخ هنر دئدی،
«بیری باران دئدی، بیری خر دئدی.»^{۱۰}
بیری گنجلرینه گۆر نەلر دئدی.
هر سۆیۆش ائشیتدیم گۆنۆم قارالدی.

زنگان، ای قامتی تۆپراغا دۆشن،
آسلانلارا وطن، نرلره وطن.
چلبی اؤغلونو بئجردن سن سن،
قالخ یاد منی یامان گۆنلره سالدی.

بۆتۆن شرقه حکمت شعاسی ساچان،
ایرانا فلسفه قاپیسی آچان.
سؤیله گله جکسن اۆزۆنه هاچان؟

^{۱۰} مصراع بختیار واهابزاده دندیر. باران: «قوزو» دئمکدیر، روسجادیر.

بو ھالېنى گۆردۆم قىلىم دارالدى.

قاراقوشون دۆشۈب يىرە بايراغى،
ھىدەجىن اويلاغىن آلبىدېر ياغى.
علمىن قايناغى سان، حكمت بولاغى،
تۇپراغىنى اۋىن، فكرتە دالدى.

كۆچەلرەن گزدى، دۆزگۆن آغلادى،
سۆز قۇشود، شعر يازدى، اۆرەك داغلادى.
سنە بىر دستە گۆل - چىچك باغلادى،
اونو دا دار گۆز ياد اليندىن آلدى.

ھاراسى وارمېش

بىر گۆن گۆلدۆم، بىر گۆن سوسدوم، آغلادېم،
عمرۆن - گۆنۆن آغى - قاراسى وارمېش.
گۆلۆن قاپسېندا تىكان دوراندان،
بۆلبۆلۆن كۆكسۆندە ياراسى وارمېش.

منى گتدىن يىنى دىنە، ايمان،
سالدىن نەدن غم - غصەيە، حرمانا؟

زنگان لوحه‌لری ۴۵

قاپنا گلیمیشم گۆزهل درمانا،
دئمیشلر هر دردین چاراسی وارمیش.

اردییلدن قاودېن، تبریزدن قاودېن،
دۆزگۆنۆ، خیوادان، هئریزدن قاودېن.
اورمیهدن قاودېن، ائومیزدن قاودېن،
زنگانداندا قاوسان، هاراسی وارمیش؟



۲. گرایلبار



سنه گلدیم

علم و هنر مدینه‌سی
سلطانیه، سنه گلدیم.
تاریخین اودلو سینه‌سی،
سلطانیه، سنه گلدیم.

یئرین بئشینجی جنتی،^{۱۱}
اؤلین ان اوجا همّتی.
دینین مجسم غیرتی،
سلطانیه سنه گلدیم.

شامدان گلیردی خراجین،
میصیردن، چین دن ده باجین.
یوخموش آجین، یالاواجین،
سلطانیه، سنه گلدیم.

^{۱۱}وصاف الحضرة ۷۱۰ هجرى قمرى ده سلطانیه‌نى «جنت خامس
ارض» آدلاندیریر.

من دۇزگۇن ەم، اۇغلون سنین،
غربت چکنی وطنین.
اۆرەگیمە آلدېم غمین،
سلطانیە، سنە گلدیم.

آخار اۇلسون

سلطانیە! ابھر داغین،
كۆكسۆنە گۆل تاخار اۇلسون.
يئنه آلاچېق قورولسون،
شاھ بولاغېن آخار اۇلسون.

كۆرلوق چكەمسین ائللرین،
داغلاردان داشسېن سئلرین.
آغ بنیز ساری تئللرین،
بايغېن – بايغېن باخار اۇلسون.

الله قۇروسون زنگانی،
سنە بخش ائتسین ائلخانی.
جوانلارېن غیرت کانی،
ایلدېرېم تەك شاخار اۇلسون.

غىصە دىن چىلىگ باغلا دېم.
چۇخا لارېنا مىن آغلا دېم،
دردىمى تىك دۆزگۆن بىلدى.

بىللور لالە

اسكى بىللور لالەسىنى،
ھەر گۆن سحر - سحر سىلر.
تۈزۈن آلار، پارېلدادار،
دورۇب بىر آنلىق سىر ائدەر.

تىكر يۇرغون گۆزلىرىنى،
سانكى دالار كىچمىشلەر.
آغ بىرچكىلى قادىن آنام،
ھىچ باخېشېن سىرمز يئره.

باشى اوجا، گۆزۈ دىرى،
لالەسىنە باخار، باخار.
باخېشېنېن وسعتىنە،
يۇلدان گلر گۆللۈ بھار.

۴۲ ۵۹ حسین دۆزگۆن

گۆزلىرى نىن شىعاسىندا،
دۆزۈملەردىن نىشانە وار.
دۇغرىلوقدان، دۆزگۆنلۈكدىن،
سداقتىن ترانە وار.

آذربايجان ائللرى نىن،
آناسىدېر منىم آنام.
قلىدىن قوپان شىرلىرىمىن،
آيناسىدېر منىم آنام.

قلىبىندە ذرەجە تۈز يۈخ،
تمىز بىللور لالەسى تىك.
صافدىر، تمىزدىر، آرى دىر،
كۆكسۈندە آلېشان اۈرەك.

نشىدە

زىنگان، ابېر، اى خلىقتىن،
سئوینچ دولو نشىدە^{۱۳} سى!
ائللرىمىن محروم قالان،

^{۱۳} نشىدە: مقدس سرودلارېن شاه بيتى، شىرىن ان گۆزەل مىصراعى.

زنگان لوحەلری ۴۳

نیسگیل ساچان جریدهسی!

کیم دئییر تاریخین یۇخدور؟
ذیروەسی سن تاریخلرین.
یئددی مین ایل مکان اولموش
باياتلارا هر بیر یئرین.

حکمت قانی جاری ائدەن،
اۆرەگی سن، سن ایرانین.
شاماتی، مصری سیر ائدەن،
گۆزۆسن آذربایجانین.



۳. باياتي



اومما

زۇھرۇن چۆلۈ، گلمىش،
آھولارېن يۇخلايام.
يۇرغون بىر مارال سىچم،
اۈرەگىندىن اۇخلايام!

بايرام ائدەم اۈينايام،
ھجران حصارىن يېخام!
اليندىن «اومما» آلام،^{۱۴}
خستەلىك لردىن چېخام.

اسىر ائدەم قلىيمە،
قلىيندە يوۋا سالام.
دۆزگۈن ايلقار، صاف عشقىن،
جانېمې وئرەم، آلام.

^{۱۴} غەنەلرېمىزە گۆرە، خستەنىن اۈمدوغو يۇردىن اومما يىمىگى ايلە
خستەلىگى تۇخدايار.



۴. قوشا بیتلر



كىمى وار

اۋزۇنو اۋزگە يانېندا كىچىك احساس ائدەنن،
ذرهجه دۇيادا ھىچ غاغلېمې ادراكېمې وار؟
سن چكىلسن قىراغا، اۋز يۇلونو تاپمايلاق،
سۇيەلە دلبر بو حسين دۇزگۇن-ۇن آيا كىمى وار؟

موسىقىم

قوجالمادېن قوجالمازسان ھىچ زمان،
ياز نفسلى، بهار سسلى موسىقىم.
قىرنەلر اۋرەكلرى فتح ائتدين،
بۇلبۇل دردلى، گۈل ھوسلى موسىقىم.



۵. سربست شعرلر



سینکیدی

آنا، کۆرپه واختلار بىمدا،
بئشىگىمده ياتان زمان،
لايلا چالدىن حزين سسله،
نغمه لرله يوخو آلدېم،
رويا لاردا سئيران قىلدېم.

ايمكلىگه، ايمكلىگه،
تا آتېش دېم يئريمگه،
«تاتې - تاتې بالا»،
دئيه،
نغمه قوشدون، قوشما دئدين،
اوخشامالار گۆللندىر دىن.

قىشدا آغېر گىجە لرده،
تاپماجا يالا، شعر لرله،
ناغېللار لا باشېم قاتدېن.
قوشما دئدين پرده پرده.

منده اولان بو شالە،
هيجانى سن اوياتدېن،
جۆر بە جۆرە سۆز اۇيرتدين.

ياغېش يىرە داملاياندا،
قېش اۆتۆلۆب ياز چاتاندا،
اولدوز سۆزۆب آى باتاندا،
قېزاراندا داغدا باتې،
غملىر هجوم ائىلەيندە،
گۆزلىرىدىن ياش داملادېن،
كۆتۆلۆندىن سۆز، باياتې،
منى قېلدېن دردله آشنا.

بۇى آتدېقجا، افتخارلا،
بۇيوما سن بۇى بۇيلادېن.
منە جوراب تۇخوياندا،
كۆرسۆدە باغرىنا باسېب،
عزىزلىكلە سۇى سۇيلادېن.
بئىلەلىكلە بۇيا چاتدېم.

يئنه سۆزدن ال اۆزمەدين،
جوان وقتيم چاشان زمان،
سۆزلە منە اينام وئردين،
اينجيتدیمسە چۇخدا سنى،
دۇداغېن ھىچ وقت بۆزمەدين.
اۈرە گىمىن زىمى سىندە،
آنا، شەرىن تۇخمون سىپدين.
اۈز اۈغلونو شاعر قېلدېن،
اينچە قېلە، سۆزە مالک.

سینیکیدیر، سنینکیدیر.
آنا، منیم سۆز دولتیم،
سینیکیدیر، سنینکیدیر.

قربان اولسون شعریم سانا،
ای هنرلی بیلگین آنا.
سۆز دولتیم قربان سانا،
اؤزۆم آنا، گۆزۆم آنا...

سن زنگان سان

ائلیمین باشین اوجا توتان،
قرینه‌لر غمین اۆره‌گینه سالیب اوتان،
جبهه یاران شهیدلرین شهرى سن،
اؤن خط قهران شهیدلرین شهرى سن.
سن زنگان سان قلبیمه جان،
باشی اوجا آذربایجان دیارېسان.
شهیدلری نین قارشېسېندا،
اوتانېرام من.
اوتانا جاق اوولادېم دا،
نوه‌لریم ده.
گله‌جک نسیللرده،
آیلاردا،
ایللرده...

قویما گئتسین زنگانی

باخ!
بشر تاریخی آنلاتمېش منه
هانسې خلقین کیم دیلی اۆلمۆش، زوالا اوغرامېش،

وارلېځې گټمېش او خلقين، ابتهالا اوغرامېش.
 ديل اؤلسه،
 آچ گؤزؤن باخ تاريخه،
 خلق اؤلر، ملت اؤلر.
 هيدهجيلر، شاه ختاييلر، نسيميلر اؤلؤبلر يۆز كر،
 دؤشمهسين ديلدن ديلين،
 اؤلمهسين شانلي ائلين...
 انقلاب اوغلو، شجاعت نسلي سن،
 شاهلارې، جلادلارې سن ازميسن،
 قۇيما قالسېن شاهچېلار مفكورەسى بو مُلكدە.
 مَلّى ظلمون تۈزلارېن سيل
 مَلّتى جانلي جسدلى قويلايانلارې تاني
 قۇيما گټسین زنگانی.
 سن كور اوغلو نسلي سن قليبندەكى عصيان هاني؟
 اگمه آغزېن، دشمنه قارشې آغارتما ديشلرين.
 جنگى چال، جنگى اوخو،
 ولوله سال دشمنين اركاېنا
 تۈرك سن، غيرت كانى
 مَلّتى جانلي جسدلى قويلايانلارې تاني
 قۇيما گټسین زنگانی ...

دئىيرم

منىم دىلىم بۇيۇك بىر -
خزىنەنىن شاھ كلىدى،
كۈچمىشىمدىن گلن سس،
گلەجگىن امىدى.

مدنى مىراثلارېن -
قايناغېدېر تۆركۆمۆز،
حكمت فضالارېندا -
اوچان چالغانلارېن
جايناغېدېر تۆركۆمۆز.

گۆى تۆرك الفباسېدېر،
اوينغور يازىلارې.
اۈنون وارلېغېندادېر -
سۆمرلرېن آچارې.

اۈدوركى من دىلىمە: عتقىلر
خونەجىلر دئىيرم،
ھمتىلر ھىدەجىلر دئىيرم.

دُنیايا حکمت يايان
سهروردی، میانه جی دئییرم.
اثير الدين، عزّ الدين،
نظام الدين، حلّی لر،
آوه جیلر دئییرم.

باياتبلار، لایالار،
قوشماجالار دیلیدیر
بو قارقوشلو دیلیم.
بايلار، باياتلار دیلی
اوغوزلار، مادلار دیلی،
بؤيۆك آدلار دیلیدیر،
منیم بو تۆركۆ دیلیم.

هر شههره، هر ائوه
هر بير كنده دئییرم،
دیليمه سلطانيه، خداينده دئییرم.
قورولان كرباسيه،
خاقانيه دئییرم.

غریبه، شرقه سسلنن زنگانیه دئییرم.

سن نه دئسن، ده گیلن

من بو دیله:

نسیمیله، واقیقلر، فضولیلر دئییرم.

علم اؤجاغین یاندیران،

حلولیلر دئییرم.

بسته‌نگار، هئیراتی،

چارگاه، سه‌گاه دئییرم،

آنالارین قلبینده

درین بیر آه دئییرم.

حکیمه بیلوریلر،

ثبوتی، شهیدیلر،

منزویلر دئییرم.

پیر تۆرکستان آدلې،

بایاتلې خواجه احمد یسویلر دئییرم.

ای اوجالاردان اوجا،

قورقودلاردان دا قۇجا!
اۋن مین ایللیک تاریخین،
جانلې شاهیدی دىلیم!
فولکلوروم، ترانەم،
نغمەم، آتا سۆزلىرىم،
عشقىمین دریاسېنېن
تکى، واحیدى دىلیم!
منیم زنگانلې دىلیم!
آذربایجانلې دىلیم!
بۇيۇک ایمانلې دىلیم!
دیلى قرآنى دىلیم!

یادا سن سینە گردین،
منی بو دینه چکدین.
ای منیم الله ایله راز و نیازیم دىلیم
دینیمی دۆرد بوجاغا،
سرەن سرافراز دىلیم!
سن منیم وجدانېمسان،
دامارېمدا قانېمسان!

بو دىلە عزّت، عصمت، شرف، غىرەت دئىيرم،

اۆز دىلىمە عدالت، اوجا ھەمەت دئىيرم.

حىثىيتىم دىر منىم،

ائلىم، يوردوم، وطنىم.

بو دىلدە دانىشاندا

ابھەر، خرمدرەلى،

سلطانيە، قئىدارلى

ھىدەجلى، مایان شانلى

زنگانلى آدلانېرام.

بو دىل ایلە گۆلۆرم،

آلېشېرام يانېرام،

درىن مضمونلو سۆزۆ

من بو دىلدە قانېرام.

ايندى لاپ گۆزۆن چېخسېن

بورادا،

تۆركۆ دىلدە

اوخويورام، يازېرام.

انسانلىغا خۇر باخان،

منى دىل سىز ايستەين،

۶۰ ۷۹ حسین دۆزگۈن

دین سیز شوونیستلرین،
مزارېنې قازېرام.

یالنېز الله اؤنۆندە، حق قارشېسېندا اگیل
وور اؤغلوم قوی قالماسېن،
شوونیست، انسان دگیل.
جوکلارا معروض قویما،
تاریخ آدلانان دیلی.
بادا وئره رسن اویان
یۆز میلیونلوق بیر ائلی.
سنه علمین قاپېسېن،
آچان آچاردېر بو دیل.
ظلمتلی قېش گئجه سی،
چیچک لئن، گۆل لئن،
بیر ایلک بهاردېر بو دیل.
سیجیللین، کیملیگیندیر،
اؤغلونو اجدادېنا،
باغلایان ایلیگیندیر،
بو شیرین تۆرکۆ دیلین.
شرف عنوانلی دیله

سن گۆوهن، قوی سنهده
گۆوهنسن شانلی ائلین.

شعرین قارتالی

ذرّه تک آلاها چاتماق آرزوسيله
شعله چکدین،
«ذات حیدر» دن سۆز ائتدین،
گۆردۆن انوارین حقین.
سن الستہ باغلانیب،
قالو! بلی دن دم ووروب،
آلدین اقرارین حقین.

عارف آیات حق سن،
عاشق دیدار حق،
همتی! ای محرم اسرار حق!
کایناته ائيله‌دین اظهار سرّ لم یزل،
مصطفیٰ (ص) و مرتضیٰ (ع) اولادینا،
هر ایکی عالمده، الله
یار ائتسین ذاتینې.

«عارضین فردوس بیللم
گۈزلىرىن كوثر اۈنون.»
سۆيلىه يىب، اۆل شه مردان، على مرتضى،^(۴)
مصطفى دردانه سې
حيدر كرار، امام هل آتى -
وصفى ايله باشلادېن ديوانې نېن باشلانغېچېن.

عشق اولسون، همتى! اولادېنا،
ذكر خيرين ائيله يىب،
توپلانتې قورموشلار سنه.
سن شهيدلر مۆلكۆنۆن تقوا يايان مداحى سان،
هيدجيلر، سهرورديلر دياربندان گلن فريادسان.
باش اگير دۇنيا سنين قارشېندا مينلر دفعه،
باخ!
تاپمادې قبرين اگر مستشرق يئنگى جهان،
آنمادې، ذكر ائتمه دى ادوارد،
ريپكا، سندن هئىچ،
گل گۆر اولادىن بوگۆن،
قرآنېن بايراغې يۆكسلميش دياردا،
ياد ائدير حرمتله سندن

باش اگيرلر
دُنيالار تقوا - فضيلتله دُولو،
اينجیلر ايله جوشان
دریا کیمی دیوانبنا.

من ده بیر شاعر کیمی
افتخار ايله آدېن چکدیم بوگُون
ای درین مضمونلو شعرین قارتالې
همتی!
بوگُون صاحب چېخان وارمېش سنه.
غیرت ايله، عشق ايله
یاد ائدیر اولاد سنی.
همتی!
سن ده احسن سؤیله،
اولادین عجب همت ائدیر...

باتی ایتی

سن دئییرسن غربده
- آوروپادا، یئنگی دُنیادا -
کیمسه اۆلدۆرمۆر

۶۴ ۵۹۲ حسین دۆزگۈن

– عقىدە اۆستۈندە –

كىمسەنى.

بس، بو فېرتېنا نەدىر:

بوسنادا

ھەرسك دە

فلسطين دە

شوشادا

كشمير دە؟ ...

يۇخ، قارداشېم!

يالاندېر.

باتې، يېرتېجې دېر

قانلې شفقلىر دۆشەرگە سىدىر ...

اينان بونا.

اما بيز،

تارىخ بۇيۇنجا،

حكمت دىزىنە چئور يلىدىك.

حكيم خونجىلر،

شەھاب الدىن سەھروردىلر

زنگان لوحەلرى ۶۵

ھىدەجىلر ياراتدېق.

«جەھان چۈن خال و خط و چشم و ابروست.»
دئدىك.

«كە ھر چىزى بە جاي خویش نيكوست.»
سۆيلەدىك.

بىر آز درين دۇشۇن

آتىلا، تىمور،

مدنيت آثارى مىراث قۇيان سردارلار

دۇنيان دۆرد بوجاغىنا حكمت يايان سردارلار ايدىلر.

اما سن گل سىر ائت

ھىتلىرى،

نتانياهو،

واسيلويچى،

قوچارىانى،

داھا ھر ھانسى بىر باتى ايتىنى.

و

اۇ ايتلر بابالارى دالېنجا سۆمسۆن كۆپك لر باشچى سې

قولدور

رضا خانى . . .

۶۶ ۹۹ حسین دۆزگۈن

«مەد نەقتى» نى...



۶. غزller



جانان اولار

بیر گۆن اولار یاردان فرمان اولار،
گۆن چىخار ظلمتلره تابان اولار.
یار، بیر آى تک آپ آچىق، آشکار،
دشمن آلچاق ایت تکی پنهان اولار.
اؤل گۆنش اۆزلۆم گۆرۆنسه بیر کره،
دُنیا، اطرافیندا سرگردان اولار.
جۆکلارا معروض قالمېش بیر چوپان،
عاغلا گلسه، مُلکده خاقان اولار.
دویغوسو تاپدانسای بیر آزادەنین،
هیرانی محبس اولار، زندان اولار.
هیدەجه، خرّمدرهیه، ابهره،
جان دئسن، زنگان سنه جانان اولار.
چۆخ شیریندیر جان سنه دۆزگۆن، آمان،
جاندا جانان سېز اینانمام جان اولار.

دئدیله

جان ائویندن ائله سفر دئدیله،
ائیلمه جانا هئچ گذر دئدیله.

چولقادې دۆره‌می غم هجران،
یارا گل ائیلہ بیر نظر دئیلر.
آغلادېم، سېتقادېم، فغان ائتدیم،
منہ دُنیا‌دا بی‌بصر دئیلر.
جانا جانان قوشو گلیب قۇندو،
ائیلہ جانېندان الحذر دئیلر.
شعر یازدېم غمینده سۆز قۇشدوم،
گرچی هر شعریمہ گهر دئیلر،
دئیلر اعتباری یوخ سۆزۈنۈن،
بو سۆزۈ گۆر نہ معتبر دئیلر!
زنگانا قېش گۆنۈ آياق باسدېم،
یایدا گل، قېشدا یۈخ ثمر دئیلر.
یایدا گئتدیم، یووامی بۇش گۆردۈم،
«کۆچدۈ ائل، قالمادې اثر» دئیلر.
اگیرینی، دۈغرونو باغېشلادېلار،
دۆزگۈن ه «اگیریلیک ائدەر!» دئیلر!...

مباہات وقتیدیر

صبح اولدو، قالخ، دور! کی مناجات وقتیدیر،
دۇن یارہ سارې، قبلہ‌ی حاجات وقتیدیر.

تۆركۆن قارانقو طالعی آلت - اۆست اۆلمادا،
يیرمینجی عصر، کشف و کرامات وقتیدیر.
خصم دنی بئلی داها سېنمېش، یاراق گتیر،
دورما، سلاح آل کی مھمات وقتیدیر.
من گنجلردە غیرتی حس ائتمیشم بوگۆن،
آلچاق دنی یە سؤیلە مجازات وقتیدیر.
بیر قرن خور باخېب قاپیدا ساخلادېن منی،
گل میدانا، گل ایندی ملاقات وقتیدیر.
قلبیمدە ساخلادېم نئچە ایللر جراحتی.
یاریم طیب اۆلۈبدۈ، حجامات وقتیدیر.
حیلەیلە کیش دئدینسە، سیاستلە اۆینادېن،
عسگرلریم چۇخالمادا، شاهمات وقتیدیر.
زنگان دیارېدېر، مدنیت اۇجاغېدېر،
باغرېن داغېلسېن، ایندی مباحات وقتیدیر.
دۆزگۆن کۆنۆلدە تئللری دیللندیریر گۆزەل،
گل شاهه چک گیلن کی مغامات وقتیدیر.

سرافکنده اۆلماز

اۆزۆن تانییان انسان بندە اۆلماز،
بیلنە بندەلیک زیبندە اۆلماز.

دم اوران زنده ليكدن اۆزگە دوندا،
سېغېشماز اۆزگە دۇنا، زنده اۆلماز.
بوگۇن اۆز جدىنى تحقير ائدەنە،
صبح آچېلماز، آچېق آيندە اۆلماز.
آغېزدان چېخماسا، پۇسگۆرمەسە اۆد،
كاغذا كلمەلر سوزندە اۆلماز.
دئمە تاريخدە سن نە آختارېرسان،
ايتيگى ايتمەين جويندە اۆلماز.
آغېرترېن، آغېراۋتور، آغېردور،
اۆزۇن اسگىك ائدەن دانندە اۆلماز.
گۆۈن ، فخر ائىلە، زنگان فخرلييمىش،
حكيمىن اۋغلو سرافكندە اۆلماز.
سۆزۇ منكرلرين اۋيموش گۆزۇنو،
حسین دۇزگۇن كىمى گويندە اۆلماز.

هموار اۆل

گئتمە قېراغا گۆزەل، گل من ايله يار اۆل.
اۆزگە ياراشماز سنە، گل منە دلدار اۆل.
اوغرو دنى وارلېغېن چالدى يۇخودا سنین،
جومما ياتاق ايچرە، قالدخ! دور داها بيدار اۆل!

دشمنى — دوستو تانى، گىرمە دنى قوينونا،
جۈك يازان ھر كىمسەدن قاچ گىلە، بىزار اۈل!
مثلى تاپىلماز بۆتۈن دۇنيادا بو ھىدجىن،
قۇيما خرابە قالا دۇن گىلە، ھىموار اۈل!
نەفسىنە اۈيما گۆزەل، عشق ايله نەفس آيرىدېر،
نەفسدى غوغا ئىدەن، عاقل و ھىشار اۈل!
عشق سىز انسان عبث ۋە سۆرەر دۇنيادا،
سەن دە بو دۆزگۈن كىمى عشقە گىرەتار اۈل!

كۆسمە تاتدان

يۇخ گىلەم بىگانەدن كىم آشنا قىلمىش سىم،
آغلا يارىم ھالېما، اول بى وفا قىلمىش سىم.
مەن كىمە اظھار ائىدىم، كىم دەست پىروردىم مەنىم،
اۈيىمۇش اغيارا، اۈلۈب مەندەن جەدا، قىلمىش سىم.
كۆنلۈمۈن بو پىچ و تاپە دۆشمە گىن سۇرما، نەدەن،
نازىنىم دەمدەم گۆرمۇش رۈا، قىلمىش سىم.
كۆسمە تاتدان قارداشېم چال بامباچا اۈز باشېوا،
زىنگانا زىنگانلې خۇر باخىمىش بىللە قىلمىش سىم.
اينىچىمە سەن كىمسەدن، دۆزگۈن، اۈزۈندە عىبى گۆر،
بىل، آيىق اۈل، تۆركە تۆرك ائىتمىش جەفا، قىلمىش سىم.

قئیداری گۆزلر گۆزلیم

یوللارین آردیندا قالمیش یاری گۆزلر گۆزلیم،
کۆنلۆمە تسکین وئەن دلداری گۆزلر گۆزلیم.
قلبیمی ساتدیم پولا، پامال ائتدیم عُمرومۇ،
قلب پول یۇخ، سگەنی - دیناری گۆزلر گۆزلیم.
چن گلیب باسدی دومان، گۆرسنمەدی نە داغ، نە دۆز،
دۆزلی، یایلاقلاری، داغلاری گۆزلر گۆزلیم.
یادا وئردیم عشقیمی، ساتدیم اۆرەک غمخانەسین،
ایندی تبریزی گۆزەل غمخواری گۆزلر گۆزلیم.
فارسا ساروان سۆیلەدیم، یوللاردا آزدېردی منی،
زنگانا گئتمک اۆچۆن قئیداری گۆزلر گۆزلیم.
سانما دۆزگۆن بایراغی یئرلردە سالارسېز قالب،
داغدا بیر دۆزگۆن سایاق سرداری گۆزلر گۆزلیم.

شکایت

باشېم اۆستۆندە دوماندېر آتشیین آهېم منیم،
بونجا قاوروتما، آماندېر، بېقدېم آلاھېم منیم.
اثللرین اۆلادی بیر - بیر اۆزلرین یېخدی نەدن،
بس هاچان قالخار آياغا یاربم، آگاھېم منیم؟

زنگانا بل باغلادېم، قتيدارې گزديم آغلادېم،
 كۆرپونو يېخدې، آمانېم كسدى كين خواهېم منېم.
 اوز چئورمې مقصيديمن دؤنمزم بو راهدان،
 كيم حقيقت ذيروه سيدير توتدوغوم راهېم منېم.
 من يېخېلمازدېم دمام، سن امين اول دوزگونؤم،
 حيله اتتدى، دوستجا گلدى، يېخدى بدخواهېم منېم.

سيادت سنين اۆلسون

من آرزو ائدەردیم کی حمیت سنین اولسون،
حکمت سنین، عزت سنین، هییت سنین اولسون.
لاکن اویونا سالدی منی حیلتن آخر،
حیلته گلن ساختا محبت سنین اولسون.
دای ایسته میرم من نه سیاست نه سیادت،
بو مُلکده، گئت سؤیله، سیادت سنین اولسون!
بیر داملا منه عشق و صداقت وئرلرسه،
مین دریا قدەر کلّ سیاست سنین اولسون!
یاربن غمی آلسن یۆرهمی، روحومو سارسن،
یارسبز یاشاماق، دُنیادا صحت سنین اولسون!
من وحدتین آردېنجا دولانېم گنجه – گۆندۆز،
بۆلّوق، یاشاماق، نعمت و کثرت سنین اولسون.

بیر داملا ایچیرت سن منە قئیدار بولاغېندان،
هم مُلک عجم، هم عجمیت سنین اۆلسون.
سن سۆیلە گیلن دۆزگۆن ە دلبر گئجە – گۆندۆز:
«دُنیا هامېنېن اۆلسا، صداقت سنین اۆلسون!»

گلمەدین

سسلەدیم عُمرۆم بۆیو، سن اما یاربم گلمەدین،
تکجە یوغرولدوم غم ایچرە، غمگساربم! گلمەدین.
هر یئتنە یار دئدیم آلداندېم آل و مکرینە،
سن آیپلتماق چین منی، ای رازداربم، گلمەدین.
دشمن آلدې اللریمدن فخری، شانی، شوکتی،
تکجە قالدېم بو ساواشدا، افتخاربم! گلمەدین.
قېش بوروموش دۆرەمی، آلمېش خزان یان – یۆرەمی،
اۆتدۆ یای، گلدى پایېز، گۆللۆ بهاربم! گلمەدین.
قئیداری، خرمدرەنی، ابهری آغلادتې شاه،
یاندې آغلار گۆزلریم، سن نازداربم! گلمەدین.
بیر اولو پیمان اۆلاچاق، سۆیلەدین بو مُلکدە،
آخشام اۆلدو، باندې گۆن، قول و قراربم! گلمەدین.
من خللدن خالی یۆلداش گۆرمەدیم بو دهرده،
بیرجە سن خالص شراب خوشگواربم! گلمەدین.

نه ضررسن، نه قازانچ، دُنْیادا یۇخدان وار اۇلان،
سؤیله ییر دۆزگۆن: جلالیم، اعتباریم! گلمه دین!

يارچالانماز يوردوموز

سَريَمى اغياره آچدېن يار، عار اولسون سنه،
ييلدى رازېم بوسبوتون ديار، عار اولسون سنه!
اونجو ساندېن سن اوزون، دوشدون اونونه ائللرين،
ائدهمهدين كيمسەنى بيدار، عار اولسون سنه!
اعتماد ائتدېم نەدن، يول وئردېم ائو ايچرە سنى،
سر پنهانېم اولوندو جار، عار اولسون سنه!
اگېنېنه اولماز سنین اوزگە لباسى، عارسېز!
قوردو بيدار يارا اغيار دار، عار اولسون سنه!
دنيايا اود دوشسەده بيل پارچالانماز يوردوموز،
سن نەدن زنگانې ائتدين خوار؟ عار اولسون سنه!
اجنبىنى شاد ائديب، شاباش آلدېن خصمدن،
دوزگون و آتدېن كنارا زار، عار اولسون سنه!

حسرت قويدون

كۆنلۈ خالداڭن خالا دۇندەرمىگە خالېن گلدې،
باشېمى آلدې دومان، قال و مقالېن گلدې.

بىر ايشىق درياسېنا گۆزلىرىم آچىدېم، بىردىن،
يوخوما گىردى اۆزۆن، يۇخسا خىالېن گلدى.
بو گمان ايدى، بو ظن ايدى، قوتارمازمېش ھجر،
ناغېل ايمىش، دئدىلر قالخ كى وصالېن گلدى!
مانشانا، زنگانا، انگورانا حسرت قويدون،
عاشقېن پئشوازېنا مكر ايله آلېن گلدى.
منى خرمدره ده قويلا دئدىم، يالواردېم،
دئدى سايماز يانا دۆن، دۆن كى زوالېن گلدى.
من غزل يازمازېدېم، سن منە يازدېردېن اونو،
ياز دئدىن، آغلا دئدىن، بلکہ غزالېن گلدى.
دۆزگۆن ـ دۇغرو يۇلا چكەمدى اىگرى باخېشېن،
بۆدرەدېم، جايدېم آمان، قۇيما وبالېن گلدى.



٧. قطعه



سندىن سارېدېر

سۆزلىرى خىمىدەرەلى، لەھجەسى دادلى دىلېرىم،
عاشقىنىن آجى قېشا دۆزمىگى سىندىن سارېدېر.
قاچغېن اۆلۈب دال چىئورىپ يوردا، ائەلە، يوواسېنا،
شىرىن جانېندان اللرىن اۆزمىگى سىندىن سارېدېر.
خويونون خۇقونون سىنىن يۇخ قۇخوسو بوردا گۆزەل،
بېقماغى، بو حىياتدان بىزمىگى سىندىن سارېدېر.
اۋدىن الين اۆزۈب چۆلۈن در بە درىنە چىئورىلىپ،
يايى، قېشى، داغ درەنى گىزمىگى سىندىن سارېدېر.
من بىلىرم دۆزمىز ايمىش ذرەجە دۆزگۈن يالانا،
بونجا يالانلاردا گۆزەل دۆزمىگى سىندىن سارېدېر.



٨. منظومه



شاھ خدایندە

- ۱ -

تاریخین سۆنسوز رواقېندا منیم دە بیر رواقېم وار

بیر اولو «سلطانیه»^{۱۵} آدلې

بۇيۇك قصریم،

بۇيۇك طاقېم

اۇتاقېم وار.

«تان یوقوق»^{۱۶} لاردان گلن، هئچ سۆنمیهن قېزمار

اۇجاغېم

^{۱۵} سلطانیه شهری، هجری ۸ _ نجی عصرده تبریزدن سؤنرا اورتا شرقین ان بۇيۇك علم و تجارت مرکزی ایدی. بورادا قورولان «ابواب ابر» آدلې سلطانیه گونبذی یانېندا، عصرین بۇيۇك علمی مجموعهسی، دارالقرآن، مدرسه، دار القانون، دار الشفاء، دار الضیافه، دار السیاده، دار الحدیث تاسیس اولونموشدور. همین ایللرده اسلام تاریخینین ان بۇيۇك معارف مرکزینه چئوریلن بو مجموعه، ایندی گۇزدن دۆشمۇش تخریب اولونماقدادېر. بو مجموعهنین احداثی ۹ ایل سورموش و ۷۱۳ ق. ایلینده قورتارمېشدېر. سلطان محمد خدابندهنین مزارې همین مجموعهنین ۴۸ مترلیک گونبذی آلتېندادېر.

^{۱۶} تان یوقوق tan yuquq اسکی تۇرك ادبیات تاریخینین ایلک یازارلارېندان. اورخون آیدهلرینده آدې چکیلن یازار.

ھەم سېغىنماق چىن بوجاغېم وار.
من، محمد^(ص) نىسلىم
انسان اوچۇن عزت وئەن مىسلىك
عطرلى قۇينوم، قوجاغېم وار.

من ايشىق بىخىش ائتمىشىم دۇنيالار.
تارىخىن ھەر بىر واراغېندا ايزىم قالمىش.
دوھام تارىخى جانلاتمىش،
نبوغوم دۇنيانى سارمىش.
من گۆشەن دۇغموشام
الە چىراغېم وار.
اوجا داغلار باشىندا سۆنمەن پارلاق ماياغېم وار.

- ۲ -

يۇدۇدى مىسجىد، «شام قازان» تىكىدى سىلتانىيە دە
شاھ خىدانىدە، بورادا چۇخلو احسان ائىلەدى.
حلى اول علامەنى، يۇزلىر بۇيۇك عالم ايلە
دعوت ائتدى شەھرە،
دانىشگاھ سىلتانىيە بنىان ائىلەدى.

هم نظام الدين مراغى^{۱۷}
هم محمد آملی^{۱۸}
خواجهى اعظم، رشید الدینی گتتدی،
شهر سلطانیه قوردو،
دۆرد بوجاغین
اهل علمه باغ رضوان ائيله دی.
باخ، بو دانشگاه ایچینده
حلّی، «منهاج الکرامه» یازدی^{۱۹}
«نهج الحق»ی دیوان ائيله دی.
شیعه، حلّی چین بیرینجی دفعه
بوردا «آیه الله» سؤیله دی.
اوغلو «ایضاح الفوائد» یازدی
«تحصیل النجات»،
«منبع الاسرار»ی انشاء قیلدی.^{۲۰}

^{۱۷} عبدالملک نظام الدین مراغی او زامان، ایرانین قاضی اقصاتی ایدی.

^{۱۸} محمد بن محمود آملی اثری نین صاحبی، سلطانیه ده استاد و مدرس ایدی.

^{۱۹} علامه حلّی، سلطانیه ده ایکی مهم کتاب یازبدیر. بیرسی کلام علمینده «نهج الحق» و دیگرى امامت بحثینده «منهاج الکرامه» آدلانیر.

^{۲۰} علامه حلّی نین اوغلو «فخر المحققین» سلطانیه ده آدلیم استاد و مدرس ایدی. روایتیه گؤره، او، اون یاشیندا اجتهدا یتیشمیشدیر. ذکر اولان او کیتابدان علاوه، آتاسی نین «ارشاد الاذهان»، «مبادئ الاصول» و «تهذیب

بورد، عزّ الدّین زنجانی گلیب «تصریف» یازدې^{۲۱}
قوشچو اۇغلو سۇنرالار.
حق یۇلون خلقە نمایان ائیلەدى.
مئلى یۇخموش دنیادا، اول عصرده بو حوزەنین.
خواجە اولجایتو، دمام،
یۆز مدرّس، یۆز مؤذن، یۆز معلّم
اۇردا مەھمان ائیلەدى.
بیر نئچە دار الضیّافه، بیر نئچە دار السیّاده، بیر نئچە دار
الشفاء
هم ده دار التّریّیه،
قوردو اخلاص ایله،
قانماز فارسى لقمان ائیلەدى.
شاه قازاندان سۇنرا دنیادا نه توفان ائیلەدى.
عزّتى، اخلاصى، اقبالى، صفانى
قصریچۇن، دۇرد ارکان ائیلەدى.
«عقلی، بیر غواص دریای کمال علم تک

الاصول» اثرلرینی ده شرح ائتمیشدیر. اۇ هیجرى ۷۷۱ _ نجى ایلده وفات
ائیدی.

^{۲۱} عزّ الدین اولو المعالى عبد الوهاب ابن ابراهيم زنجانی چۇخ تانېنمېش
«التصریف» اثرى نین مؤلفى دیر. بو کتاب قرنلردیر علمیه حوزەلرده تدريس
اولونور. ملا سعد الدین تفتازانى بو اثره شرح یازېدېر.

جوهر ذاتبنا حیران ائیلەدی.»
تبریزین ربع رشیدی سین، مراغه حوزە سین
شام قازان داشگاهین، ارکین بۆیۈک مفکورە سین،
قاتدې سلطانیە، ایرانی توران ائیلەدی.
اۋلدو ایران، علم اۋجاغې،
اۋلدو تاریخین بوجاغې
اۋلکەدە باشدان باشا تۆرکانە فرمان ائیلەدی.
یاندې ایچدن آغلایان مظلوملار
مظلومو خندان ائیلەدی.
یاسا یازدې ائل اۋچۇن،
قانون چىخارتدې ملّته
یوردو تابان ائیلەدی.
شاه خدایندە باغیشلانمېش دلاور حرتک
حق درگاهیندا اۋز جانېنې قربان ائیلەدی.

- ۳ -

قوردو اردولاردا «کرباسیە» لر^{۲۲}
کۆچ ائیدردی مدرسه،

^{۲۲} «کرباسیە» آلاچىقدان قورولموش، ائل ایله بیرلیکدە یایلاغا _ قیشلاغا
کۆچن سیار مکتب خانلار ایدی. بو مدرسه لرە تاریخی قایناقلاردا «مدرسه
سیاره کرباسیە سلطانیە» عنوانی وئریلیر.

ایللر بۇیونجا ائل ایله
چېخدی کرباسیه‌لردن چۆخلو عالم‌لر اوڭۇن
حلّی‌نین شاگردی عزّ الدین آبی
اؤنون «کشف الرّموز» و یاکه شمس الدین، شهید اول
شیعه
اؤنون «ارشاد الاذهان»ی
یاکه جرجانی
اؤنون «تجريد»ی، باللّهی دانپلمازدېر.
نه یازسام من سنه آزدېر
خدابنده، خدابنده ...

- ۴ -

تاریخی انکار ائده‌نلر باشېما یۆزلر بلالر گتدیله
خولیلالار ایچره سۆرۆکلرکن،
منیم اولادیمی غفلتده یۇخلاتدی
قادر گتدیله.
«کروش» اویوردو، بورادا تۆرکۆ داندی
«آریا»لر گتدیله.^{۲۳}

^{۲۳} شاهچی تاریخ یازانلار، «نژاد» تئوریسینی اویوردوراق، هئج بیر تاریخی
سند دایانمادان ایرانلیلاری بو نژاددان حساب ائتدیله ! و اثبات ائتمگه
چالیشدیله کی گویا بو نژادین ایلک انسان _ میمونلاری سیریادان یزده و

اۋز دۈنۈن، خلقە، چېخارت گير اۋزگە دۈنلار دئيىب،
چۈخلۈ مۇدالار گتتديلر.
مئت لريمە منتھالار گتتديلر.
كور عجم، باخ،
يېخدى سروى يئرلرە يۈزلر ارن، يۈزلر ايگيد، يۈزلر
ارى.
بو بلانى اۋزگەلر يۈخ، باشېما چۈخ آشينالر گتتديلر.
ياتمادې تورپاقدلا كين ارلريم
مُلكە، انوار الاھى دن ضياءلر گتتديلر.
ايرانا چۈخ اصفيلار گتتديلر
شاھ خدايندە، او حرى
چون حدوٹ كبريالار گتتديلر.

باخ دنى خصمە، اۋنو انكار اتديب
اسلام آدېنا داندېلار تاريخيمى
ديلدە چۈخلۈ ناسزالر گزديريب، چۈخ ناروالر گتتديلر.
باشېما يۈزلر بلالار آچدې
مينلر ماجرالر گتتديلر.